



## جلوه‌های رمانتیکی منظومه حیدربابایه سلام استاد شهریار

نویسنده اول<sup>۱</sup>، مریم حسن زاده مقدم

نویسنده دوم<sup>۲</sup>، ابوالقاسم دادور

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران.

۲- استاد تمام و هیئت علمی گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

### چکیده

مکتب ادبی و هنری رمانتیسیسم دارای قواعدی مانند بیان احساسات، بازگشت به گذشته و دوری از واقعیت، توجه به طبیعت و روستا و... است. منظومه حیدربابایه سلام استاد شهریار نیز علاوه بر اینکه دارای این اصول رمانتیکی است بازتاب دهنده سنت فولکلور منطقه آذربایجان است. از اهداف این تحقیق، بازشناسی منظومه حیدربابا از منظر رمانتیسیسم است و در این راستا درصدد پاسخگویی به این پرسش است که "منظومه حیدربابایه سلام چه جلوه‌هایی از رمانتیسیسم را داراست؟ از ضرورت و اهمیت پژوهش پیش‌رو می‌توان توجه به منظومه حیدربابا برای کشف زوایای پنهان آن اشاره نمود. این مقاله به روش تجزیه، تحلیل و توصیف اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

**کلمات کلیدی:** رمانتیسیسم، ادبیات، منظومه حیدربابایه سلام، استاد شهریار، صور خیال، طبیعت، کوه حیدربابا، فولکلور، آذربایجان، شعر، فضاآرایی، احساسات، هنر و ادبیات، انسان شناسی.

### ۱. مقدمه

با ظهور مکتب ادبی و هنری رمانتیسیسم در اواخر قرن هجدهم، بیشترین توجه، به "عاطفه" و "خیال" صورت می‌گیرد و برخی مشخصه‌های آن عبارتند از گرایش به طبیعت و ستایش آن، احساس‌گرایی، توجه به فرهنگ‌های بومی و محلی، توجه به خیال، آزادی، فردیت و... . بیشترین دل‌بستگی این جریان، بیان واقعیت‌های زندگی مانند ناملایمات، شور زندگی، سادگی و یک‌رنگی آن است و همسویی‌هایی با واقع‌گرایی (رئالیسم) دارد.



رمانتیسیم زمانی پدید آمد که بحران‌های اخلاقی و مالی و بی‌اعتنایی به قوانین بر اثر کج‌فهمی تجدد در میان ثروتمندان به حدی به اوج رسید که جامعه اروپا را در ژرفای فساد و ناهنجاری فرو برد؛ بدین‌جهت رمانتیسیم‌ها برای مقابله با بی‌نظمی‌ها و ولخرجی‌های طبقه اشراف، از آزادی‌های دروغین (بی‌بند و باری) و سرمایه‌داری می‌گریختند. آن‌ها به قشر متوسط و ضعیف جامعه توجه نموده و با تأکید بر حساسیت‌های درونی انسان و جوهر پاک او به عالم رویا و گذشته پناه می‌بردند و در نهایت الگوهای آرمانی خود مانند زندگی بی‌ریا و ساده را در آن جستجو می‌کردند. با رواج این مکتب در کشورهای مختلف آثار بی‌بدیلی که گوهر وجودی آدمی را در رأس اهمیت قرار داده بودند پدید آمد و حتی با افول زمانی این مکتب، نویسندگان و هنرمندان بسیاری همچنان با پایبندی به آن، آثار خویش را خلق می‌کردند. با توجه به اینکه ادبیات رمانتیک، آرمان‌گرا و ایده‌آلیستی و نزدیک به ادبیات ایران است، به راحتی توانست که در میان برخی نویسندگان، شاعران و حتی هنرمندان ایرانی نفوذ کند. در ادبیات ایران معاصر، یکی از کسانی که به شیوه مکتب رمانتیک، شعر می‌سرود یا حداقل اشعارش همسویی‌هایی با این مکتب داشت، محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به "شهریار" است.

شهریار اهل روستای خُشک‌تاب از توابع تبریز بود که به دو زبان ترکی آذربایجانی و فارسی شعر می‌سرود. مهم‌ترین مشخصه شعری این شاعر فرهیخته، ظرافت و لطافت‌های ناب احساسی با توجه به موازین اخلاقی و شأن وجودی انسانی بود و البته نافرجامی ایشان در عشق، دل‌بستگی به حافظ و ادبیات کهن ایران در این زمینه بی‌تأثیر نبوده و نهایتاً منجر به پرورش ذوق او شدند. یکی از شاهکارهای این شاعر که جزو مهم‌ترین آثار ادبی وی نیز محسوب می‌گردد، منظومه "حیدربابایه سلام" است که به زبان محاوره‌ای ترکی آذربایجانی سروده شده و بیان‌کننده حسرت‌ها، آرزوهای گذشته، صفای باطن انسانی، ادب، اخلاق و... در قالب یک زندگی بی‌پیرایه روستایی و ستایش طبیعت است. همچنین شاعر در این منظومه تمام فرهنگ مردمی منطقه آذربایجان را در قالب یک آلبوم خاطرات پیوسته (نوستالژی) به ظرافت تمام بازتاب داده است. منظومه حیدربابایه سلام از جنبه‌های مختلف ادبی، هنری و... قابل مطالعه است. جلوه‌های رمانتیکی در منظومه مذکور تقریباً هم رمانتیسیم فردی و هم رمانتیسیم اجتماعی را در بر می‌گیرد و جلوه‌های هنری آن به لحاظ تصویرگرایی تماماً واقع‌گرا و برگرفته از فرهنگ عامه است که در ادامه مقاله اشاراتی اجمالی به آن می‌شود. اکنون با در نظر داشتن چنین امری سوال پیش آمده چنین است که "منظومه حیدربابایه سلام دارای چه جلوه‌هایی از رمانتیسیم است و ویژگی آن‌ها چیست؟"

از ضرورت و اهمیت پژوهش پیش‌رو می‌توان توجه به منظومه حیدربابا برای تبیین جلوه‌های رمانتیکی آن اشاره نمود. بدین جهت مقاله حاضر با اهدافی چون بازشناسی منظومه حیدربابا از منظر رمانتیسیم، این تحقیق را به عمل آورده است.

- قانونی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی و تحلیل «رمانتیسیم جامعه‌گرا» در اشعار شاعران مشروطه/با تکیه و تأکید بر اشعار شهریار، بهار و میرزاده عشقی"، منتشر در فصلنامه شهریار پژوهی، سال هشتم، شماره بیست و هشت، مقوله رمانتیسیم را به شیوه تحلیلی که در ادبیات مشروطه ایران و در آثار شهریار، بهار و میرزاده عشقی، تأثیر بسزایی داشته مورد بررسی قرار می‌دهد و نتایج حاکی از آن هستند که این شاعران مشروطه از اصول رمانتیک برای اعتراض به نابرابری‌ها و نابسامانی‌های موجود در فضای پراختناق آن دوره ایران استفاده نموده‌اند. [۱]

- نظری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله "جلوه‌های مکتب رمانتیسیم در ادب معاصر عربی و فارسی (مطالعه مورد پژوهش: شعر محمودعلی طه و محمدحسین شهریار) منتشر در نشریه ادبیات تطبیقی، سال هشتم، شماره سی و یک، در این مقاله پس از بررسی همگونی‌های مضامین بین ادبیات عربی و فارسی، در نتایج بیان نموده‌اند که هردوی این شاعران در آثار خود حسرت و اندوه‌هایی که ناشی از وضع آشفته‌ی وطن و جامعه است را با ویژگی‌های رمانتیکی مانند وطن‌پرستی، طبیعت‌گرایی و... بیان می‌کنند. [۲]

- عبدالاحد و پورمحمد (۱۳۹۰) در مقاله "بررسی تطبیقی مضامین رمانتیسیم در اشعار ابراهیم ناجی و محمدحسین شهریار" منتشر در فصلنامه لسان مبین، سال دوم، شماره چهار، اذعان می‌دارند که ابراهیم ناجی (شاعر مصری) و شهریار بی‌آنکه یکدیگر را دیده باشند و حتی از نام هم اطلاع داشته باشند، مضامین رمانتیکی مشابه بسیاری در اشعار خود دارند که گویا یکی ترجمه دیگری است. یکی از مضامین مشترک در آثار آن‌ها عشق است. نتایج بیانگر این هستند که عشق در آثار هردو شاعر کاملاً بی‌آلایش و بی‌ریاست؛ هرچند به سبب نافرجامی، غربت و اندوه را تجربه کرده‌اند اما از سویی دیگر موجب رشد و ترقی هردو شاعر شده و رمانتیک مجالی برای ایشان فراهم کرده تا هردو شاعر وصال به عشق را در عالم خیال تجربه کنند. [۳]

- صدری‌نیا (۱۳۸۲) در مقاله "جلوه‌های رمانتیسیم در شعر شهریار"، منتشر در فصلنامه زبان و ادب فارسی، سال چهل و شش، شماره صد و هشتاد و هشت، بعد از بررسی قراردادهای کلاسیک در شعر شهریار، تأثیر وی از رمانتیسیم مورد بحث قرار گرفته است و نتایج بیانگر آن هستند که شهریار با توجه به آشنایی با این مکتب اروپایی، همسویی‌های آن را با شعر فارسی قرین ساخته است. [۴]

### ۳. روش تحقیق

پژوهش پیش‌رو به روش تجزیه، تحلیل و توصیف اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته و ابزار گردآوری اطلاعات نیز منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب‌ها و مقاله‌هاست؛ همچنین برخی اطلاعات مربوط به فرهنگ مردمی آذربایجان است و نگارندگان به دلیل آشنایی مستقیم و تجربه زیستی در این منطقه، از آن‌ها برای تحلیل ابیات شعری بهره گرفته‌اند.

### ۴. جلوه هنری منظومه حیدربابایه سلام

تصویرپردازی در آثار ادبی مقدمه ورود به ساحت هنر است و ارتباط میان بیان هنری را با جهان تفسیر می‌کند؛ بدین جهت، تصویرپردازی ابداعی است که نویسنده، همانندی میان اندیشه‌های خود و جهان پیرامون ایجاد می‌کند تا از این طریق نگاه ژرف و موشکافانه خود را بیان کند. تصویرپردازی در شعر به مدد آرایه‌های مختلف مانند تشبیه، استعاره، مجاز، نمادگرایی و... توسط شاعر ایجاد می‌شود و برداشت و حتی خلق مجدد آن‌ها در ذهن مخاطب توسط قوه خیال صورت می‌گیرد؛ زیرا خیال، ابداع کننده و پیوند دهنده عناصر نامتجانس، بدون گستره و محدودیت است. منظومه حیدربابایه سلام علاوه بر اینکه یک دردنامه و هذیان‌دل است، ستاینده طبیعت و زندگی بی‌آلایش روستایی است. صور خیال در این منظومه به دو روش صورت گرفته است: نخست استفاده از آرایه‌های ادبی که جنبه انتزاعی دارند و دوم وصف حالات مشهود طبیعت و زندگی از طریق استفاده از احساسات ناب و فضاآرایی است که ریشه در زندگی اجتماعی، آداب و رسوم، باورها و... دارند و به دلیل گرایش به طبیعت و بیان عواطف،

دارای جلوه‌های رمانتیک است که خوانش ابیات آن، خیال مخاطب را برانگیخته و در ذهن او تصویرسازی می‌کند. مهم‌ترین تصویرسازی خیالی که در وهله اول در منظومه حیدربابایه سلام صورت گرفته است، قابل شدن شخصیت انسانی به کوه است که شاعر با استفاده از عنصر جان‌بخشی به اشیاء، کوه را مانند یک سالک دنیا دیده و گرم و سرد روزگار چشیده پنداشته و با آن وارد یک گفتگوی تک نفره (مونولوگ) بصورت سوال و استفهام می‌شود؛ به لحاظ تصویرپردازی نیز مخاطب حیدربابا را در ذهن بصورت یک پیرمرد تجسم می‌کند. این جان‌بخشی به کوه، کل شعر را در عین پابندی به واقعیت، خیال‌انگیز و هنری نموده و نخستین الگوی رمانتیسیسم یعنی توجه به خیال را در صدر قرار داده است.

## ۶. رمانتیسیسم در منظومه حیدربابایه سلام

یکی از الگوهای مهم مکتب رمانتیک بها دادن به تخیل و خیال است و بدون آن، شعر جز سخنی ساده و عامیانه نیست. درواقع خیال به شعر اعتبار و هویت بخشیده، موجب پویایی ذهن می‌شود و آن را در نامأنوس‌ترین مکان‌ها و لحظات به پرواز در می‌آورد. «در تعریف رمانتیسم بیشتر بر روی انواع فرار رمانتیک‌ها تکیه می‌شود: فرار به رویا، فرار به گذشته، به سرزمین‌های دور دست، به تخیل» (سیدحسینی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۲) [۵] و عصیانی بود در برابر خردگرایی و قواعد خشک و رسمی نئوکلاسیسم که به استعدادها و احساسات افراد ارج نهاد. «نسل رمانتیک، نسل «آرزوهای برباد رفته» است و مکتب آنها مکتب سرخوردگی» (همان). رمانتیست‌ها توجه ویژه‌ای به سنت، فرهنگ‌عامه، قشر متوسط اجتماعی، تاریخ گذشته و عرف باستان داشته و علاوه بر این‌ها طبیعت و زندگی روستایی را در آثار هنری و ادبی خود مد نظر قرار داده‌اند. همانگونه که پیشتر ذکر گردید در منظومه حیدربابایه سلام نیز، استاد شهریار حافظ فرهنگ مردمی (فولکلور) و سنت آذربایجان بوده و تمام محتوای این منظومه ارج نهادن به طبیعت و زندگی روستایی است. رمانتیسیسم بصورت انتقاد از تمدن و نكوهش از جلوه‌های تصنعی زندگی شهر به عرصه ظهور می‌آید و خواهان بازگشت به طبیعت و زندگی روستایی است (فورست؛ جعفری، ۱۳۷۵: ص ۵۳) [۶] از این‌رو شهریار نیز از دو خصلت این مکتب در منظومه خویش به خوبی استفاده نموده است. او در ابیاتی از حیدربابا، از تمدن، انسان‌های شهری، مهربانی‌های ساختگی و بی‌مروتی‌ها، گله می‌کند و آن‌ها را سرتاسر دروغ و ریا می‌خواند و در تقابل با آن در جای‌جای این منظومه، بر زیبایی، صمیمیت و خلوص روابط انسانی در سادگی زندگی روستایی تأکید می‌کند. به عنوان مثال در بند ششم چنین می‌سراید:

حیدربابا، یولوم سنن کج اولدی / حیدربابا، ز راه تو کج گشت راه من

عؤمروم کئچدی گلنمه‌دیم گنج اولدی / عمرم گذشت و ماند به سویت نگاه من

هنج بیلیمه‌دیم گؤزلرؤن نئج اولدی / دیگر خبر نشد که چه شد زادگاه من

بیلیمزیدیم دؤنگه‌لر وار، دؤنؤم وار / هیچم نظر بر این ره پر پریچ و خم نبود

اینگین لیک وار آیریلیق وار اولؤم وار / هیچم خبر زمرگ و ز هجران و غم نبود (ثروتیان، ۱۳۹۰: ۷۳ و ۴۸) [۷]

احتمالاً، بیان استعاری شهریار از "کج شدن راه" در بیت نخست، اشاره به کوچ او و عزیمت خانواده‌اش به سمت شهر و دور ماندن از آن زندگی روستایی است. بهای این شهرنشینی، فاصله‌گرفتن از جاذبه‌های طبیعی و خو کردن به زندگی شهری با آدم‌های تصنعی و بزرگسالی بود که شهریار از مصرع سوم شروع به بیان سرعت گذر زمان و مشغولیت‌های ذهنی می‌کند؛ این‌که چقدر در بی‌خیالی دوران کودکی همه چیز خوب بوده، حوادث روزگار در نظر پوچ بوده و افسوس این‌که آن زیبایی‌های بکر طبیعی جای خودشان را به مناظر شهری داده‌اند. این بند دارای تصویرسازی نیست و یک سخن موزون است که دارای جنبه نقد زندگی شهری و بیان یک حسرت به لحاظ هذیان دل بصورت رمانتیک است که بصورت غیرمستقیم زندگی شهری و روستایی را در تقابل با یکدیگر قرار داده که در بند یازدهم نیز این امر پررنگ‌تر است:

حیدربابا، قره چمن جاداسی / حیدربابا، زجاده شهر قراچمن

چووشلارین گلر سسی، صداسی / چاووش بانگ می زند آیند مرد و زن

کربلیا گندنلرین قاداسی / ریزد ز زائرانِ حَرَم درد جان وتن

دوشسون بو آج یولسوزلارین گؤزونه / بر چشم این گداصفتانِ دروغگو

تمدنون اویدوخ یالان سؤزونه / نفرین بر این تمدنِ بی چشم و آبرو (همان: ۷۶ و ۴۹)

شاعر، نخست جاده شهر قراچمن را به یاد می‌آورد که از آن آواز مراسم چاووش‌خوانی به گوش می‌رسد؛ چاووش‌خوانی یک مراسم مذهبی به همراه مداحی‌های دینی - مذهبی است که معمولاً در ماه محرم برای بدرقه کردن زائرین به کربلا اجرا می‌شود و چنین مراسم‌های محلی در شهرها به پررنگی روستاها وجود ندارد ولی آمیخته با سایر عزاداری‌های محرم است و شهریار پس از عرض ارادت و احترام به زائرین در مصرع سوم، مدعیان روشنفکر و بی‌دین را نکوهش و زندگی مدرن صنعتی را نیز نفی می‌کند. در این‌جا استنباط می‌شود که شهریار با وجود تمام روشنفکری و تجربه تام زندگی شهری، مقید به دین و سنت است و دیدگاه کاملاً مذهبی با تکیه بر عرف دارد که چنین امری در ذائقه قشر متوسط مورد پسندتر و در حرکت به موازات رمانتیک است. در این بند شهریار، برای چند لحظه‌ای از زندگی واقعی به سمت جولان خیال گریخته و با تصور روستا و یک رسم سنتی در ذهن، تصویری از انجام یک مراسم پرشور آیینی و مذهبی اجتماعی می‌سازد؛ این تصور، تصویری از یک قرارداد اجتماعی آشنا است که هر ساله در بطن جامعه جریان دارد و در تلفیق با دیگر مراسم‌های ماه محرم اجرا می‌شود و به همین دلیل مخاطب با خواندن، آن‌ها را به خوبی حس کرده و در ذهن مجسم می‌کند.

مهم‌ترین کار شهریار در منظومه حیدربابایه سلام، صحنه‌سازی و فضاآرایی رمانتیک به لحاظ حسی است که به هنگام خوانش، در ذهن بصورت یک تابلوی نقاشی زنده و پویا جلوه می‌نماید که چنین تابلوسازی (از منظره و طبیعت) در ادبیات گذشته چندان وجود ندارد. در واقع، منظور از تابلوسازی، ارایه تصویری کم و بیش دقیق از منظره و موضوعی است که شاعر در صدد بیان آن است و شاعر بایستی آن منظره را پررنگ‌تر نمایش دهد (صدری‌نیا، ۱۳۸۲: صص ۱۳۹ - ۱۳۸). برای نمایش وجوه مختلف طبیعت و زندگی، مکتب رمانتیسیسم دارای جلوه‌ها و ویژگی‌هایی اعم از توجه به هیجانات، آزادی، نبوغ، دین، عشق، فردیت و فردگرایی و گریز از واقعیت و... است که در ادامه به تبیین برخی از آن‌ها در منظومه حیدربابایه سلام پرداخته شده است.

## ۷. احساسات و آزادی

در رمانتیسیسم آنچه مهم است نمایش عاطفه و احساسات هنرمند یا نویسنده است که نبوغ در احساسات او نهفته و این عواطف می‌تواند بهترین ماده برای خلق یک اثر باشد. «توجه به نبوغ در برابر تقلید و گرایش به فردیت در آرا و اندیشه‌های رمانتیسیسم ریشه داشت» (رضایی جمرانی و فرقانی‌دهنوی، ۱۳۹۷: ۱۰۵). [۸] در منظومه حیدربابایه سلام قابلیت‌هایی مانند بیان روایتی - داستانی در برانگیختن احساسات خواننده تأثیر بسزایی دارند. این شعر شاید یکی از آزادانه‌ترین نمونه‌های بیان یک شاعر، برای به تصویر کشیدن احساسات صادقانه درونی باشد که در عین واقع-گرایی، در تمام ابیات آن برتری و اصالت احساس مشاهده می‌شود. شهریار به ارزش احساسات در آثارش بهای زیادی می‌داد و در زندگی خویش نیز شخص احساساتی بوده و رمانتیسیسم شعری او نیز با زندگی و احوالاتش قرابت داشته است. «شعر رمانتیک به سبب جنبه اجتماعی و دوستی و همدلی و عشقی که در آن وجود دارد به زندگی نزدیک است؛ زیرا بدون هیچ قاعده و قانونی برای بیان احساسات آزاد است» (رزاق‌پور و دوستی، ۱۳۹۲: صص ۲۴۲ - ۲۴۱). [۹] «با تأمل در گفتار و اشعار شهریار به نظر می‌رسد که ابتدا از رهگذر منظومه افسانه نیما و سه تابلو میرزاده عشقی، با

کاربرد اصول رمانتیسیم در شعر فارسی آشنایی حاصل کرده است» (صدری‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۳۴). بیشترین حجم منظومه حیدربابایه سلام را حس اشغال کرده است؛ به‌طوری‌که بیان انواع احساسات، دردها، حسرت‌ها، آرزوها و... موضوعاتی هستند که همیشه تازه بوده و در تمامی دوران‌ها حرف دل مردمان است. از این‌رو با خوانش ابیات، بین احساسات مخاطب و شعر حیدربابا رابطه تنگاتنگی ایجاد می‌شود.

پس از احساسات، آزادی مورد توجه رمانتیک‌ها بود و دارای مفاهیم و معانی مختلفی است به‌طوری‌که در وهله اول، خودمختاری و استقلال را به یاد می‌آورد. اما بایستی در نظر داشت که تعریف آزادی حتی برای "فردیت انسان" چنان گسترده و پیچیده است که نمی‌توان آن را در چند جمله نوشت و خلاصه کرد. تعریف این مفهوم بستگی به اقتضای زمانی و مکانی، کاملاً معنایی متفاوت و نسبی به خود می‌گیرد. رمانتیک‌ها آزادی را برای هنر می‌خواستند و شعار هنر برای هنر را سر می‌دادند و تمام عناصر عامیانه را با زبان احساسات بیان می‌کردند. در واقع رمانتیک‌ها بیشتر "در جستجوی آزادی" و در یک معنا "آزادی‌خواه" بودند. همین امر موجب شد تا آن‌ها از قالب‌های ادبی گذشته فاصله گرفته و به سوی قالب‌های ادبی منثور روی بیاورند. (رزاق‌پور و دوستی، ۱۳۹۲: ۲۳۲) با دقت در منظومه حیدربابا درمی‌یابیم مفهوم آزادی در این اثر مردمی، چندان هم پیچیده نیست و شاعر به دنبال آن نوع آزادی است که انسان‌ها در زندگی بی‌تکلف گذشته داشتند که با پیشرفت هرچه تمام‌تر جوامع، این آزادی و رهایی از انسان‌ها سلب شده و زندگی حالت مصنوعی به خود گرفته است. به نظر می‌آید که شهریار نیز همانند ژان ژاک روسو، - منتقد رمانتیک- در منظومه حیدربابایه سلام خواهان بازگشت به طبیعت بوده و زندگی آرمانی مدنظر خود را در جوار زیست طبیعی جستجو می‌کرده است. مثلاً در مصرع آخر بند (۱۱) می‌نویسد:

تمدن‌ون اویدوخ یالان سؤزونه / نفرین بر این تمدن بی چشم و آبرو (ثروتیان، ۱۳۹۰: ۷۶ و ۴۹)

(معنی دقیق‌تر: فریب حرف دروغین تمدن را خوریم)

همان‌طور که پیش‌تر ذکر گردید او به‌صراحت تمدن صنعتی را نفی می‌کند و در بند دوازدهم نیز بابیان این‌که شیطان ما را گمراه کرده است (هم از لحاظ معنوی و هم دور شدن از زندگی ساده و بی‌آلایش روستایی) به این نتیجه می‌رسد که ابراز محبت‌های صادقانه با پیشرفت تمدن روزبه‌روز در حال کم‌رنگ شدن است و حرص و آز ناشی از تمدن، مردم را به جان هم انداخته به‌طوری‌که برقراری دوستی و اعتماد بسیار سخت شده است. مثلاً در بند (۱۲) می‌خوانیم:

حیدربابا، شیطان بیزی آزدیریب / شیطان زده است گول و زِ ده دور گشته‌ایم

محبتی اورکلردن قازدیریب / کنده است مهر را ز دل و کور گشته‌ایم

قره گونون سرنوشتین یازدیریب / زین سرنوشت تیره چه بی نور گشته‌ایم

سالیب خلقی بیر-بیرینین جانینا / این خلق را به جان هم انداخته است دیو

باریشیغی بلشدیریب قانینا / خود صلح را نشسته به خون ساخته است دیو (همان)

رمانتیسیم دارای دو مرحله فردی (احساساتی) و اجتماعی است و این امر در منظومه حیدربابایه سلام نیز قابل تبیین است. در این منظومه، قهرمان یا شخصیت اصلی شاعر (شهریار) است که در کل منظومه شخصیت مستقلی دارد و رمانتیسیم فردی وی بصورت اقتباس خلاقانه از طبیعت و بازآفرینی مجدد آن، بیان واقعیت‌ها و تلفیق خیال و واقعیت جلوه نموده که با شور رمانتیکی توسط واژگان به تصویر کشیده شده است؛ درواقع رمانتیک فردی شهریار در منظومه حیدربابا بصورت من عاطفی تجلی می‌یابد - و بطور مثال - بصورت‌هایی مانند: شکوه از چهل انسان (بند ۱۳)، بی-وفایی دنیا (بند ۴۹)، غم ایام (بند ۴۵) و مسایلی از این قبیل تجلی یافته است.



شکوه از جهل انسان (بند ۱۳):

گُز یاشینا باخان اُولسا، قان آخماز / هرکس نظر به اشک کند شَر نمی‌کند

انسان اُولان خنجر بثلینه تاخماز / انسان هوس به بستن خنجر نمی‌کند

آمما حئیف کُور توتدوغون بوراخماز / بس کوردل که حرف تو باور نمی‌کند

بهشتیمیز جهتم اُولماقدادیر / فردا یقین بهشت، جهتم شود به ما

ذی حجه میز محرم اُولماقدادیر / ذیحجه ناگزیر، محرم شود به ما (ثروتیان، ۱۳۹۰: ۷۶ و ۵۰)

بی‌وفایی دنیا (بند ۴۹):

حیدربابا، دُنیایالان دُنیادی / دنیا همه دروغ و فسون و فسانه شد

سلیماننان، نوحدان قالان دُنیادی / کشتی عمر نوح و سلیمان روانه شد

اوغول دوغان، درده سالان دُنیادی / ناکام ماند هر که در این آشیانه شد

هر کیمسیه هر نه وئرب، آلبیدی / بر هر که هر چه داده از او ستانده است

افلاطوننان بیر قوری آد قالیبدی / نامی تهی برای فلاطون بمانده است (همان: ۹۵ و ۵۹)

غم ایام (بند ۴۵):

حیدربابا، آغاجلارون اوجالدی / حیدربابا، درخت تو شد سبز و سربلند

آمما حئیف، جوانلارون قوجالدی / لیک آن همه جوان تو شد پیر و دردمند

توخلیلارون آریخلیب، آجالدی / گشتند برّه های فربه تو لاغر و نژند

کؤلگه دُندی، گُون باتدی، قاش قَرلدی / خورشید رفت و سایه بگسترد در جهان (همان: ۹۳ و ۵۸)

اما رمانتیک اجتماعی شهریار در منظومه حیدربابا بصورت همدلی و همدردی با دیگران در (بندهای ۵۳، ۴۷، ۲۳ و...)، شناخت او نسبت به افراد و شخصیت‌ها و ویژگی‌هایشان و دیدگاه شهریار نسبت به اوضاع ناعدالانه و نابسامان رفاه عمومی تجلی یافته است. به عنوان مثال در شناخت او نسبت به افراد می‌توان از بند (۵۵) سخن به میان آورد:

میر مصطفای، اوجا بوّی بابا / میر مصطفی و قامت و قد کشیده اش

هیکللی، ساققاللی، تُولستوی بابا / آن ریش و هیکل چو تولستوی رسیده اش

ائیلردی یاس مجلسینی توی بابا / شکر زلب بریزد و شادی ز دیده اش



خشگنابین آبروسی، آردمی / او آبرو عزت آن خشگناب بود

مسجدلرین، مجلسلرین گوزکمی / در مسجد و مجالس ما آفتاب بود (ثروتیان، ۱۳۹۰: ۹۸ و ۶۰)

از بازگویی ویژگی‌های افراد به خصلت درونی آن‌ها و نوع تعاملشان با افراد اجتماع هم اشاره می‌کند و دریافت می‌شود که باریک‌بینی شهریار فقط مختص به طبیعت و زندگی نیست؛ بلکه نسبت به آدم‌های اجتماع نیز دقت نظر دارد و توصیفات او منجر به ساختن تصویری از شخصیت (کاراکتر) افراد با همان ویژگی‌های فردیشان در ذهن مخاطب می‌شود که در بندهایی مانند (۶۳ - ۵۴) به خوبی قابل مشاهده است. (نک: ثروتیان، ۱۳۹۶، صص ۱۴۲ - ۱۱۱) یا برای دیدگاه او نسبت به سختی‌های روزگار که خود او نیز تجربه کرده می‌توان بند (۱۹) را مثال زد:

حیدربابا، کندین گونی باتاندا / حیدربابا، چو غرصة خورشید شد نهان

اوشاقلارون شامین ئیبوب، یاتاندا / خوردند شام خود که بخوابند کودکان

آی بولوتدان چیخوب، قاش-گوز آتاندا / وز پشتِ ابر غمزه کند ماه آسمان

بیزدنده بیر سن اونلارا قصه ده / از غصه‌های بی حدِ ما قصه ساز کن

قصه میزده چوخلی غم و غصه ده / چشمان خفته را تو بدان غصه باز کن (همان: ۵۱ و ۸۰)

با وجود این که بند حاضر به سختی‌های روزگار اشاره دارد اما تصویر یک زمان گذرا و ناپایدار و شرایط زمانه در دو نسل متفاوت را نمایش می‌دهد؛ یعنی آرامشی که کودکان در زمان حال از آن بهره‌مندند در زندگی نسل پیشین موجود نبوده و برای آگاهی لازم است که شب-ها قبل از خواب، همانند قصه برایشان تعریف شود.

#### ۸. بازگشت به دوران کودکی و گریز از واقعیت

پیش‌تر گفته شد که در رمانتیسیم بر روی انواع فرار تکیه می‌شود که یکی از آن‌ها، بازگشت به دوران کودکی و گریز از واقعیت است به این دلیل که آن‌ها خسته از خردگرایی و منطق نئوکلاسیسیم و دل‌آزرده از زندگی تصنعی شهری بوده و همواره خواهان بازگشت به زندگی بی‌آلایش در جامعه‌ای با صفای باطنی انسان‌ها بودند و این رجعت به کودکی که کل منظومه حیدربابا نیز بر آن استوار است «درحقیقت بازگشت به سادگی و معصومیت-هایی است که جامعه مدرن آنها را فراموش کرده است» (دری و حاجبی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). [۱۰] شهریار در این منظومه پس از به یاد آوردن خاطرات گذشته‌ای مانند قصه‌گویی مادر بزرگش، خواهان بازگشت به دوران کودکی خویش است به طوری که در بند (۲۰) می‌گوید:

من قایدیدب، بیرده اوشاق اولئیدیم / ای کاش بازگشته به دامن کودکی

بیرگول آچیب، اوندان سورا سولئیدیم / یک گل شکفتی به گلستان کودکی (ثروتیان، ۱۳۹۰: ۸۰ و ۵۱)

«پرداختن به بازآفرینی خاطرات کودکی که گریز از تکلف دنیای واقعی را نشان می‌دهد، در بسیاری از سروده‌های شهریار، از بیان خاطرات صرف فراتر رفته و معنای عمیق فلسفی به خود می‌گیرد» (صدری‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۴۷) این بازگشت به کودکی و خاطرات آن در منظومه حیدربابا در بندهای (۳۴ - ۳۲ و ۲۸ - ۲۱) بیشتر از سایر بندها نمایان است و مهم‌ترین ویژگی آن‌ها تأکید بر خلوص و پاکی درون است (نک: ثروتیان، ۱۳۹۶، صص ۲۳ - ۱۴) و شهریار با پیش کشیدن رجعت به گذشته درصدد ترسیم دنیایی است که از تکلف و پیچیدگی زمان حال برخوردار نیست.

#### ۹. طبیعت و روستا



رمانتیک‌ها به طبیعت اهمیت بسیاری می‌دادند این موضوع در منظومه حیدربابایه سلام نیز جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا طبیعت در این منظومه، پویا، زنده، بینا و شنواست و کوه حیدربابا به عنوان عنصر مهم این جریان مانند یک پیر سرد و گرم روزگار چشیده و دانایی است که با صبوری به صحبت‌ها و درد دل‌های شهریار گوش می‌دهد. کل پاره روایت‌های این منظومه در دامن طبیعت می‌چرخد؛ در نتیجه این ارتباط با طبیعت تمهیدی است برای احیای یک زندگی آرمانی و باز دادن اصالت به انسان. منظره‌پردازی واقع‌گرایانه شهریار در منظومه حیدربابا، معادل ذهنی و پندارگونه طبیعت و زندگی واقعی است که در آن به مجموعه احساسات فردی ارج نهاده شده است.

ارتباط ادبیات با طبیعت سابقه طولانی دارد و شاعران ایرانی نیز از این تمسک و توسل دور نبوده و باظرافت از آن بهره جستند. در دوره معاصر با پیشرفت صنعت و فن‌آوری، بشر دید سلطه‌جویی به طبیعت پیدا کرده و به همین دلیل نگاه شاعران به شعر از عین به ذهن تغییر یافته است. (پارساپور، ۱۳۹۱: ۴). [۱۱] شهریار هیچ‌گاه با چشم سلطه به طبیعت ننگریسته بلکه از همان ابتدای شروع منظومه، با روایت و توصیف آنچه در طبیعت به وقوع می‌پیوندد گفتگوی خویش با حیدربابا را با ادای احترام و رعایت ادب، آغاز کرده و سپس با ستایش و آرزوی پایداری برای او، منظومه را به پایان می‌رساند. از این رو طبیعت در این منظومه در جایگاه بالاتری نسبت به انسان قرار داد و در ابیات مختلف آن نمایان است و تصویر متناسب با هر بیت را به ذهن متبادر می‌کند. به عنوان مثال بند اول:

/ حیدربابا چو ابر شَخْد، غُرد آسمان حیدربابا ایلدیریملار شاخاندا

سنلر سولار شاققیلیدیوب آخاندا / سیلاب‌های تُند و خروشان شود روان

قیزلار اوْنا صف باغلییوب باخاندا / صف بسته دختران به تماشایش آن زمان

سلام اولسون شوْکتوْزه ائلوْزه / بر شوکت و تبار تو بادا سلام من

(ثروتیان، ۱۳۹۰: ۷۱ و ۴۷) منیم‌ده بیر آدیم گلسین دیلوْزه / گاهی رَوَد مگر به زبان تو نام من

ابیات تماماً دارای نمود تصویری هستند و آنچه که در ذهن پدید می‌آید ابتدا تصویر واقعی و جلوه‌هایی از قدرت طبیعت هستند (کوه سترگ، رعد و برق و سیلاب‌های تند) که شاعر بدین طریق، شکوه، اقتدار و پویایی آن را ترسیم کرده، به طبیعت و والایی آن احترام می‌گذارد و با این فضا سازی، ذهن مخاطب را برای گفتن جملات بعدی و پردازش تصویرهای دیگر آماده می‌کند. شایان ذکر است رعایت ادب و موازین اخلاق، گوهری است که بر تارک ادبیات ایران می‌درخشد و تفاوتی ندارد که با کدام گویش و زبان محلی به آن‌ها پرداخته شده باشد؛ بدین صورت اشعار شهریار به‌ویژه منظومه حیدربابایه سلام نیز از این قاعده مستثنی نیست و ابیاتی که جنبه تعلیمی دارند به زبان ساده و محاوره‌ای بیان شده‌اند تا فهم و درک آن‌ها آسان باشد.

شهریار پس از بند اول، (مصرع چهارم در بند دوم) شروع به برقراری ارتباط قلبی با طبیعت می‌کند و با برانگیختن "احساس"، تصویر ذهن را بیدار می‌کند:

بیزدن ده بیر مۆمکۆن اولسا یاد ائله/ ممکن اگر شود ز من خسته یاد کن

آچیلیمیان اوْرکلری شاد ائله/ دل‌های غم گرفته، بدان یاد شاد کن (همان)

این بیداری ذهنی بصورت یک توصیف، همراه با تخیل بوده و هدف شاعر از این تقلای ضمیر، زنده کردن و به رخ کشیدن واقعیت‌های مادی و معنوی است؛ زیرا هر زاویه‌ای از حیات انسان با طبیعت پیوند دارد. «در نگاه شهریار، طبیعت و انسان از هم تفکیک ناپذیرند. او طبیعت را از درون انسان می‌بیند و انسان را در طبیعت می‌یابد. این دو به هم پیوسته و مکمل هم‌اند. در چنین حالتی است که زندگی از دیدگاه رمانتیک‌ها معنای زیباتری می‌یابد و زندگی انسان در پیوند با عوامل و اجزای طبیعت مفهوم می‌یابد» (رزاق‌پور و دوستی، ۱۳۹۲: ۲۴۸). وصف شهریار از طبیعت در منظومه حیدربابا، توصیفی زنده و زیبا همراه با مجموعه‌ای وسیع از تصاویر گوناگون حسی و مادی طبیعت است که مبتنی بر تجربه عینی و ملموس است. در

واقع وصف دقیق طبیعت با شیوایی سخن و ایجاد یک تصویر هنری واقع‌گرا، احساس را مقابل عقل قرار داده و بر زیبایی‌شناسی هنری در شعر تأکید می‌کند. او با به کار بردن واژگانی که دارای حس هستند تصورات شهودی خواننده را بیدار می‌کند تا از این طریق تصویر در ذهن او ایجاد شود؛ بدین طریق هر خواننده در منظومه حیدربابا، با استفاده از ادراک حسی و قوه تخیل خود آفریننده و پردازنده تصاویر این منظومه بصورت پویا و خلاق است. وصف و ترسیم لحظات زندگی واقعی و زودگذر آن، عیناً در این منظومه انعکاس یافته است و دارای حس متناسب با آن‌هاست؛ یعنی هرچقدر هم که شهریار از زیبایی، آرامش و لطافت طبیعت سخن می‌گوید در برابر آن، خطرات احتمالی، ناملایمات، ترس‌ها و... را هرچند موجز اما دقیق توصیف کرده و یک شوک ذهنی بصورت تصویر استرس‌زایی که مملو از ترس هست به ذهن متبادر می‌کند؛ مثلاً شهریار در بند (۴۴) چنین می‌سراید:

میرزاتاغی‌نان گنجه گنتدیک چایا / مهتاب بود و با تقی آن شب کنار رود

من باخیرام سئلده بوغولموش آیا / من محو ماه و ماه در آن آب غرق (خفه) بود

بیردن ایشیق دوشدی اوتای باخچایا / زان سوی رود، نور درخشید و هر دو زود

ای وای دندیک قورددی، قئیتدیک قاشدیق / گفتیم آی گرگ و دویدیم سوی ده

هنج بیلمه دیک نه وقت کوللوکدن آشدیق / چون مرغ ترس خورده پریدیم توی ده (ثروتیان، ۱۳۹۰: ۹۲ و ۵۸)

با دقت در مصرع دوم لطافت طبع و تصویرپردازی هنری شاعر از طریق جاندارانگاری (آنیمیزم) نمایان است؛ خفه شدن مختص جانوران و انسان است اما شاعر این عمل را برای ماه قایل شده است. همچنین انعکاس ماه که در آب افتاده، همانند ماه واقعی جلوه‌گر است با این تفاوت که این ماه با تمام جلالش در آب غرق شده است اما همچنان زیبا و باشکوه است که چشم و ذهن را درگیر خود کرده است. در این بند شوک ذهنی، زمانی به وقوع می‌پیوندد که چند شیء نورانی متحرک در آن سوی باغچه نمایان شده و تمام آرامشی که قبل از آن حاکم بود را از یاد می‌برد. خواننده در هر مصرع گام به گام این تصاویر را بصورت یک تصویر سینمایی در ذهن تصور می‌کند، خود را در آن موقعیت قرار می‌دهد و اگر از نزدیک چنین ترسی تجربه نکرده باشد به مدد تصور و حس، آن‌ها را درک می‌کند.

منظومه حیدربابا، زاده کوششی برای پیوند میان انسان و طبیعت است. «روستا در نظر رمانتیک‌ها، نمادی از زندگی انسان در دامن طبیعت است و انسان نیز در آن‌جا به طبیعت خویش نزدیک‌تر است، همان‌گونه زندگی می‌کند که خدا خواسته است، بدون تکلف و زرق و برقی است که سراسر زندگی شهری را در خود فرو برده است» (علامی و صابری، ۱۳۹۲: ص ۵۰) [۱۲] بدین جهت شهریار با درنظر داشتن چنین دیدگاهی به ستایش بی‌آلایش روستا می‌پردازد. در فرهنگ روستایی، قواعد و قوانین شهری معنایی ندارد و افراد، تابع فرهنگ جمعی و سنت هستند و سنت‌ها از باورها ریشه گرفته‌اند؛ مثلاً مراسم‌ها، باورهایی هستند که سینه به سینه منتقل و تبدیل به یک ارزش شده و یادآور خاطرات در ذهن هستند بدین- ترتیب جوامع روستایی بر اساس معیارهای قومی خود، آن‌ها را برگزار می‌کنند و همین معیارها فرهنگ تصویری ایشان را شکل می‌دهد. مردم روستا در نهایت سادگی و صمیمیت در کنار هم زندگی می‌کنند که مدنظر رمانتیک‌ها بود. این زیست ساده و ارتباط صمیمی مردمان با یکدیگر در بیشتر بندهای منظومه حیدربابا نمایان است؛ به‌عنوان مثال در بند (۳۶):

قیش گنجه‌سی طوله‌لرین اوتاغی / بر اهل ده شبان زمستان بهانه‌ای است

کندیله‌لرین اوتوراغی، یاتاغی / وان کلبه طویله خودش گرمخانه ای است

بوخاریدا یانار اوتون یاناغی / در رقص شعله، گرم شدن خود فسانه‌ای است

شبچره‌سی، گیردکانی، ایده‌سی / سنجد میان شبچره با مغز گردکان

کنده باسار گولوب - دانشمق سسی / صحبت چو گرم شد برود تا به آسمان (ثروتیان، ۱۳۹۰: ۸۸ و ۵۶)

آنچه در حیات روستانشینی اهمیت بسزایی دارد و جزء ویژگی‌های مکتب رمانتیسیسم نیز محسوب می‌شود، پایبندی به آداب و رسوم سنتی و محلی و دیگری بهره‌گیری از زبان‌های محلی است که هردو به دلیل ارتباط مستقیم با ادراک و احساسات و تحریک قوه تخیل دارای وجوه دیداری هستند.

## ۱۲. نتیجه‌گیری

پس از گسترش مکتب رمانتیک در سرتاسر جهان و به دلیل نزدیکی ادبیات ایران به این نوع ادبی، هنرمندان و نویسندگان بسیاری متناسب با اصول و قواعد این مکتب، آثار خویش را خلق نمودند. شهریار یکی از شاعران معاصر ایرانی است که در اشعارش حال و هوای رمانتیک به وفور یافت می‌شود. از مهمترین آثار او منظومه حیدربابایه سلام است که همسویی‌هایی با رمانتیسیسم دارد. از جلوه‌های رمانتیک منظومه مذکور می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- خیال‌انگیزی: با جان بخشی به اشیاء (کوه حیدربابا).

۲- توجه به احساسات: با توجه به بیان آزاد احساسات فردی.

۳- آزادی: با پیش کشیدن بازگشت به طبیعت برای داشتن زندگی بی‌آلایش.

۴- نبوغ: که در این اثر بیشتر بصورت من فردی شاعر تجلی یافته و اکثر روایات‌ها از ذهن او برخاسته و بیان شده‌اند.

۵- بازگشت به دوران کودکی و گریز از واقعیت: اصلی‌ترین تجلی رمانتیک در منظومه حیدربابایه سلام است که حالت مفهومی به خود گرفته، و آن تأکید بر پاکی درون در حیات کودکانه است.

۶- طبیعت و روستا: مهم‌ترین قاعده‌های رمانتیک در منظومه حیدربابایه سلام هستند که در آن طبیعت، زنده، پویا، بینا و شنواست و انسان با آن رابطه قلبی دارد. توجه به زندگی روستایی به دلیل نزدیکی این نوع حیات به طبیعت است و جلوه‌های رمانتیک شهریار در این منظومه، ریشه در فرهنگ فولکلور و سنتی آذربایجان دارد که با یکدیگر در انسجام و هماهنگی هستند. تصاویر ادبی در این منظومه، وصف حالت‌های مشهود واقعیت‌های طبیعی، زیستی و اجتماعی هستند که بصورت فضاآرایی توسط شاعر و استفاده از آرایه‌های ادبی تصویرساز مانند جان‌بخشی به اشیاء، استعاره و جان‌گرایی (آنیمیسیم) جنبه هنری به خود گرفته‌اند. با توجه به این که پژوهش در ادبیات محلی یک فقر مطالعاتی محسوب می‌گردد، پیشنهاد می‌شود توجه به آثار ادبیات منطقه‌ای در رأس قرار بگیرد تا قسمت‌های اعظم و ناشناخته فرهنگ‌های ایرانی که از دید پنهان مانده، آشکار و بر گنجینه ادبی آن افزون گردد.

## ۱۲. مراجع

۱- قانونی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی و تحلیل «رمانتیسم جامعه‌گرا» در اشعار شاعران مشروطه با تکیه و تأکید بر اشعار شهریار، بهار و میرزاده عشقی"، فصلنامه شهریار پژوهی، (۸)، (۲۸)، ۱۷۸ - ۱۵۱.

۲- نظری، علی؛ نجفی حاجیور، مهران و خلیلی، پروین (۱۳۹۷) جلوه‌های مکتب رمانتیسم در ادب معاصر عربی و فارسی (مطالعه مورد پژوهش: شعر محمودعلی طه و محمدحسین شهریار)، نشریه ادبیات تطبیقی، (۸)، (۳۱)، ۱۵۹ - ۱۳۹.

- ۳- عبدالاحد، غیبی و پورمحمد، رباب (۱۳۹۰) بررسی تطبیقی مضامین رمانتیسیم در اشعار ابراهیم ناجی و محمدحسین شهریار، فصلنامه لسان مبین، (۲)، (۴)، ۱۴۷ - ۱۲۳.
- ۴- صدری‌نیا، باقر (۱۳۸۲) جلوه‌های رمانتیسیم در شعر شهریار، فصلنامه زبان و ادب فارسی، (۴۶)، (۱۸۸)، ۱۵۶ - ۱۳۳.
- ۵- سید حسینی، رضا، مکتب‌های ادبی ۱، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات نگاه، (۱۳۸۷).
- ۶- فورست، لیلیان؛ جعفری، مسعود، رمانتیسیم، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، (۱۳۷۵).
- ۷- ثروتیان، بهروز، منظومه حیدربابا شهریار، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سروش.
- ۸- رضایی جمکرانی، احمد و فرقانی دهنوی، حمید (۱۳۹۷) مقایسه نظریه انواع ادبی در مکاتب کلاسیسم و رمانتیسیم، فصلنامه دانش‌های ادبی، (۱۵)، (۶۲)، ۱۲۶ - ۱۰۳.
- ۹- رزاق‌پور، مرتضی و دوستی، مریم (۱۳۹۲) عناصر رمانتیک در اشعار شهریار، نشریه تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، (۵)، (۱۵)، ۲۷۲ - ۲۳۹.
- ۱۰- دری، نجمه و حاجبی، احمد (۱۳۹۴) یادتن؛ حیدربابایی دیگر، بررسی رجعت نوستالژیک به عناصر فرهنگ عامه در دو منظومه حیدربابایه سلام و یادتن. نشریه ادب و زبان، دانشگاه شهید با هنر کرمان، (۱۸)، (۳۸)، ۱۵۴ - ۱۳۱.
- ۱۱- پارساپور، زهرا (۱۳۹۱) بررسی ارتباط انسان با طبیعت در شعر، مجله ادب فارسی، (۲)، (۱)، ۱۰۰ - ۷۰.
- ۱۲- علامی، بهمن و صابری، اسماعیل (۱۳۹۲)، جلوه‌های طبیعت در آثار شهریار، مطالعات زبان و ادبیات غنایی، (۳)، (۹)، ۶۶ - ۴۷.

## The romantic effects of Heydar Babaye Salam's poem by Shahriar

**Maryam Hasanzade Moghadam**

Master's student, Art Research, Al-Zahra University, Tehran.

**Abolgasem Dadvar**

Full Professor and Faculty of Art Research Department, Faculty of Arts, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

### Abstract - ۱-۱

The literary and artistic school of romanticism has rules such as expressing feelings, returning to the past and staying away from reality, paying attention to nature and the countryside, etc. In addition to having these romantic principles, the poem Heydar Babaye Salam by Ostad Shahryar also reflects the folklore tradition of the Azerbaijan region. One of the goals of this research is to recognize Heydarbaba's poetry from the perspective of romanticism, and in this regard, it tries to answer the question, "What are the manifestations of romanticism in Heydarbaba's poem Salam?" Haiderbaba's system pointed out to discover its hidden angles. This article has been done by analyzing, analyzing and describing information using library sources.

**Keywords** romanticism, literature, Heydarbabaye Salam's poem, Ostad Shahryar, Imagination, nature, Heydarbaba mountain, folklore, Azerbaijan, poetry, spatial design, emotions, art and literature, anthropology.